

تاریخچه ارومیه

(یادداشت‌هایی از سال‌های جنگ اول جهانی و آشوب‌های بعد از آن)

○ رحیم نیکبخت



○ تاریخچه ارومیه (یادداشت‌هایی از سال‌های جنگ اول جهانی و آشوب‌های پس از آن)
 ○ تألیف: رحمت‌الله توفیق
 ○ ناشر: شیرازه، تهران، ۱۳۸۲، ۱۹۲ ص، ۱۴۰۰۰ ریال، شابک: ۹۶۴-۷۷۶۸-۱۵-X

ارومیه و شهرهای حوالی آن در تاریخ معاصر ایران یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخی خود را در دوره جنگ جهانی اول و سال‌های پس از آن سپری کرده‌اند. بلافاصله و مصائب این دوره نه از داخل ایران، بلکه دست‌آورد مهاجمان روس، ترکان عثمانی، ارمنه جیلو و اکراد تحت امر سمیتقو بوده است. مردم محروم و ستمدیده این نواحی ناخواسته تاوان سنگین کینه‌جویی قدرت‌های خارجی را با خون و هستی خود متحمل گردیدند. ضعف قدرت مرکزی در طی جنگ جهانی اول و پس از آن، یکی از عوامل کشنده شدن مسایل برون‌مرزی به درون مرزهای ایران بود. در مورد تاریخ ارومیه به تازگی آثار چندی منتشر شده است* که تصاویر ناراحت‌کننده، ولی واقعی از وضعیت مردم این خطه ارائه می‌دهند. از آن جمله کتاب **ارومیه در محاربه عالم‌سوز** اثر رحمت‌الله خان معتمدالوزاره یا کتاب **نامه‌های ارومیه** که هر دو به کوشش آقای کاوه بیات منتشر شده است. یکی دیگر از منابع مهمی که چندی پیش به همت نشر و پژوهش شیرازه در این موضوع منتشر شده، کتاب **تاریخچه ارومیه** نوشته رحمت‌الله توفیق است. از نظر دبیر مجموعه، آقای کاوه بیات اهمیت و مزیت این کتاب نسبت به دیگر منابع: «جامع و فراگیر بودن آن است؛ در واقع در این یادداشت‌ها که خاطرات و به یادمانده‌های یکی از شاهدان عینی این تحولات است، اهم وقایع ارومیه از بدو شروع جنگ در سال ۱۳۳۳ هجری قمری تا اعاده انتظام و حاکمیت مرکز در سال ۱۳۴۰ (۱۳۰۱ شمسی) ثبت و توصیف شده، حال آن که برخی از دیگر گزارش‌های برجای مانده از این دوران فقط بخش‌هایی از این تحولات را شامل می‌شوند.»
 رحمت‌الله توفیق در طول زندگانی خود منشأ

قریه گلپاشین، پسران ابرهیم و غیر از این‌ها که آبروی مسیحیان پاک‌دامن را نیز بردند...» (ص ۶۱)

موضوعی که در بررسی مسایل تاریخ آذربایجان، به‌ویژه ارومیه نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ حضور و فعالیت میسیونرهای مذهبی خارجی است که دخالت آن‌ها در مسایل داخلی ایران در کنار حضور قوای اشغالگر عثمانی و روس بر پیچیدگی اوضاع می‌افزود.

قتل اسماعیل آقاسمیتقو، که بلایی گران برای مردم ارومیه و اطراف آن بود، موجی از شادی و شرف در مردم ایجاد کرد. مؤلف ورود قوای نظامی دولتی به ارومیه را چنین توصیف کرده است:

«... آری سواره تازه وارد ما همان عبدالعلی خان جبلی است که با شصت نفر قزاق جهت مزده مقهوریت و مغلوبیت دشمن به شهر اعزام و برای تهیه منازل جهت اردوی وارده از دسته قوای مرکزی خود به ارومیه می‌آید، ولی کیست که به این سواران راه داده تا آن‌ها بتوانند به شهر وارد شوند؛ اطفال و زنان و دختران دور این‌ها را گرفته و ناله و گریه‌های شادی به آسمان بلند شده [است]. اطفال ده و دوازده ساله از هر طرف یونجه و علوفه آورده با زور به دهان اسب‌های لجام‌دار نظامیان خود تپانیده و گریه‌کنان از روی اسب‌های آن‌ها بوسیده و با پدران و مادران ستم کشیده خودشان راه حرکت آن‌ها را بسته‌اند. گریه و زاری نظامیان تازه‌وارد ما کم‌تر از این‌ها نبوده، اگر من بخواهم اندازه شادی و شرف و هیجانات واقعی و صمیمی آن روز اهالی این شهر را از مشاهده جمال نظامیان خود تشریح نموده و توصیف نمایم، چندین برگ اوراق جداگانه باید به این صفحات اضافه نموده باشم.» (ص ۱۵۹)

علاقتمندان به تاریخ آذربایجان، برای یافتن دلیل این وجد و سرور دردمندانه بی نیاز از مرور و مطالعه این کتاب نیستند.

پی‌نوشت:

- * البته منابعی دیگر هم وجود دارد که اهم آن‌ها به شرح زیر است:
- ۱ - کسروی، احمد: تاریخ هجده ساله آذربایجان، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
 - ۲ - دهقان، علی: سرزمین زردشت (اوضاع طبیعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی رضائیه)، تهران، ۱۳۴۸.
 - ۳ - متمدن، محمد: اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه، تهران، ۱۳۵۰.
 - ۴ - نصرت ماکویی، محمدرحیم: تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۷۳ ه. ق.

خدمات فرهنگی و اجتماعی بسیاری برای زادگاهش بود که آخرین این خدمت، چنانکه دبیر مجموعه تصریح کرده‌اند این کتاب است که روایتی منسجم از تاریخ ارومیه ارائه داده است. کتاب از سه فصل به شرح زیر تشکیل شده است: فصل اول: شروع جنگ جهانی و تزلزل حاکمیت روسیه
 فصل دوم: امیدواری به تغییر وضع
 فصل سوم: دوره استیلای اسماعیل آقا سمیتقو. در نهایت نیز چند عکس تاریخی و صفحه نخست نسخه خطی پایان بخش کتاب است.
 مؤلف در نگارش حوادث و مسایل زادگاهش، سعی کرده ترتیب تاریخی و موضوعی وقوع حوادث را مراعات نماید. با وجود مختصر بودن کتاب، دقت بسیاری در نقل حوادث مبذول شده است. علاوه بر این دقت که از امتیازات مهم کتاب است، نویسنده جانب عدالت و انصاف را مراعات نموده است. از آن جمله، هم رجال نیکنام مسیحی را که مخالف قتل عام و کشتار مسلمان و حوادث خونین بودند را نام می‌برد:

«... یکی از آن‌ها دکتر شموئیل ابراهیمی و منشی دیکاله‌ای و باباعیوضوف دیکاله‌ای و آقای لازار خیاط و عده دیگر از مسیحیان شهری و دهاتی که من اسامی آن‌ها را نمی‌شناسم و اندازه قدرت و مساعدت آن‌ها خیلی محدود، ولی پاره‌ای اشخاص را از تعدی جیلوها و فراریان قفقاز محافظت می‌نمودند.
 و هم در ادامه می‌نویسد:

«برعکس، عده دیگری از مسیحیان محلی در خون‌ریزی همسایگان خود از جلوها و قفقازیان جلوتر رفته و پیشی گرفته بودند، از آن جمله دکتر اسرائیل و رفائیل خان و به به و یونیل، ساکنان